

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

فرستنده: مناف فلکی فر

۱۸ جنوری ۲۰۱۷

در باره رفیق شهید "قاسم سیادتی"



رفیق شهید قاسم سیادتی یکی از فرزندان آگاه و آزاده خلق لر در سال ۱۳۲۵ در شهر بروجرد و در یک خانواده فقیر متولد شد. او دارای یک پدر فلج و دومین فرزند از خانواده پنج نفری این خانواده بود. رفیق قاسم دوره ابتدائی را در دبستان "۱۵ بهمن" بروجرد گذراند و سپس در دبیرستان پهلوی (بعد از سرنگونی رژیم شاه نام این دبیرستان به دکتر شریعتی تغییر کرد) ثبت نام نمود. بعد از گذراندن دوره اول متوسطه در این دبیرستان در رشته ریاضی دبیرستان "بحر العلوم" بروجرد ثبت نام نمود و در خرداد [جوزا] سال ۱۳۴۵ در رشته ریاضی دیپلم گرفت. در بهمن ماه [دلو] همان سال توانست در رشته مشاور راهنمایی دانشسرای عالی تهران به تحصیل ادامه دهد. در همان سال و در جریان اعتراضات دانشجویان، شاهد حمله وحشیانه رنجرها و عمال سرسپرده رژیم منفور شاه به دانشجویان معترض شد. این واقعه مهمی بود که شناخت وی را از ماهیت نیروی سرکوب رژیم شاه افزایش داد. در این مقطع به رغم آن که رفیق قاسم در دانشسرا درس می خواند، به دلیل علاقه اش به مهندسی برق در کنکور ورودی دانشگاه تیریز شرکت کرد و در مهر ۱۳۴۷ در رشته مهندسی برق دانشکده فنی این دانشگاه آغاز به تحصیل نمود.

رفیق قاسم که با فقر بزرگ شده و طعم تلخ آن را با تمام وجود در طول زندگی اش احساس کرده بود، در دانشگاه امکان یافت که هر چه بیشتر با آرمان های طبقه کارگر و اندیشه های مارکسیستی آشنا شده و مسیر فکری و جهت گیری اش را برای زدودن فقر و محو هر گونه بی عدالتی در جامعه طبقاتی موجود مشخص سازد. رفیق قاسم از سال دوم دانشگاه برای تأمین قسمتی از هزینه تحصیل شروع به کار نمود. بعداً توانست امکان تدریس در شهرهای اسکو و

مرد را به دست آورد و به همین دلیل ضمن تحصیل در دانشگاه تبریز ، به اجبار هفته‌ای چندبار برای تدریس به اسکو و مرد می رفت. او تقریباً از اوائل سال سوم نه تنها همه هزینه تحصیلی‌اش را خودش تأمین می کرد بلکه ماهیانه مبلغی برای تأمین معاش مادرش هم می فرستاد. در دانشگاه تبریز بود که در شرایطی که کلانتری پنج تبریز توسط چریکهای فدائی خلق مورد حمله قرار گرفت و رستاخیز سیاهکل به عنوان سرآغاز جنبش مسلحانه در ایران اعلام گردید، فعالیت های سیاسی وی نیز گسترده تر و آشکار تر شد. در این مقطع وی سه بار توسط عمال ساواک در تبریز دستگیر و تحت بازجویی قرار گرفت. اما چون مدرکی از فعالیت های مبارزاتی وی به دست نیاورده بودند ، دستگیری های وی به محکومیت منجر نشد. وقتی که ساواک برای بار سوم او را دستگیر کرد، رفیق قاسم ۲۶ روز تحت اذیت و آزار عمال مزدور ساواک قرار گرفت. با توجه به انعکاس این خبر، دانشجویان دانشکده فنی تبریز اعتصاب کرده و خواهان آزادی رفیق قاسم و چند نفری که با وی دستگیر شده بودند، شدند. رفیق قاسم تجربه درناک اذیت و آزار ساواک را با موفقیت گذراند، و بالاخره بر اثر فشار دانشجویان، ساواک به اجبار آن ها را آزاد نمود.

می توان گفت که دوران فعالیت های دانشجویی رفیق قاسم دوران خودسازی و آموزش برای فعالیت های هر چه گسترده تر سیاسی و تشکیلاتی بود. او در خرداد[جوزا] سال ۵۲ با گرفتن فوق لیسانس برق، از دانشکده فنی دانشگاه تبریز فارغ التحصیل شد. با پایان دوران تحصیل به روال آن سال ها به خدمت نظام فراخوانده شد و این دوران را در شیراز و بعد در خرم آباد به انجام رسانید. در بهمن ماه[دلو] سال ۵۲ یعنی در اواسط دوران خدمت نظام، رفیق قاسم با رفیق مینا طالب زاده شوشتریان که او نیز مارکسیست و رهرو رهائی کارگران بود ازدواج کرد. رفیق مینا در آن سال دانشجوی سال سوم رشته حسابداری مدرسه عالی بازرگانی بود.

رفیق قاسم در آبان[عقرب] سال ۵۳ خدمت نظام را به پایان رساند و در کارخانه کارتن البرز در شهر صنعتی قزوین مشغول به کار شد و سپس به کارخانه کاشی پارس رفت و مجموعاً هفت ماه در این دو کارخانه به کار پرداخت. کار و فعالیت در محیط کارخانه آموزشی بود که به وی کمک نمود تا شناخت خود را در رابطه با شرایط کار و زندگی طبقه کارگر هر چه بیشتر غنا بخشد. طبقه ای که او امر رهائش از ظلم و ستم طبقاتی را آرمان خود می دانست.

در این سال ها که چریکهای فدائی خلق ایران در پاسخ به ضرورت زمان، به طور مسلحانه علیه امپریالیسم و رژیم وابسته اش می جنگیدند، در شرایطی که این مبارزه به دلیل این که از دل واقعیت های جامعه بیرون آمده بود، تا حد وسیعی نظر نیروهای انقلابی و مبارز را به سوی خود جلب نموده بود، روشنفکران کمونیست گروه گروه به سوی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران روی می آوردند. رفیق قاسم نیز یکی از آن کمونیست ها بود که در اواخر سال ۱۳۵۳ موفق شد همراه با رفیق مینا در ارتباط مستقیم با سازمان قرار گیرد.

در اواخر سال ۱۳۵۳ با توجه به روی آوری نیروی وسیع به طرف سازمان، شرایط نوینی به وجود آمد و سازمان تلاش کرد تا نیرو هایش در پوشش های طبیعی در جامعه فعالیت کرده و تا حد امکان مخفی نشوند. به همین دلیل هم رفیق قاسم و رفیق مینا در ارتباط با سازمان در خیابان زیبا در تهران خانه ای را اجاره کردند. در اواخر فروردین ۵۴ این خانه که پایگاه فعالیت های سیاسی رفقاء قاسم سیادت و همسرش مینا طالب زاده بود توسط ساواک کشف و مورد هجوم قرار گرفت. در جریان یورش مسلحانه مزدوران ساواک به این خانه رفیق مینا طالب زاده شوشتری به شهادت رسید ، اما رفیق قاسم توانست با گرفتن مسلسل یکی از مأموران دشمن از چنگال ساواک بگریزد. به دنبال این حادثه و جان باختن همسر رفیق قاسم، زندگی مخفی وی آغاز شد .

به دنبال ضربات گسترده ساواک به سازمان در اوائل سال ۵۵ ، رفیق قاسم از جمله رفقای بود که در جریان این ضربات سالم ماند و در نتیجه یکی از رفقای بود که وظیفه بازسازی سازمان در آن دوران سخت را با صبوری و تحمل خطرات بسیار پیش برد.

رفیق قاسم سیادتى فرزند رشید خلق های ایران در سال های سیاه سکوت و اختناق با عزمی راسخ و اراده ای آهنین به پا خاست و مبارزات خویش را جهت تحقق بخشیدن به آرمان های کارگران و دهقانان و محو کامل سلطه امپریالیسم دنبال کرد و تا آخرین لحظه حیاتش در اراده پولادینش علیه دشمن کوچکترین تلزللی به وجود نیامد. رفیق قاسم سیادتى پس از تقریباً چهار سال مبارزه مخفی و شرکت در چندین درگیری با نیروهای دشمن و نابودی پایگاه های ساواک و رژیم منفور شاه، به خصوص در آخرین نبرد قهرمانانه اش در جریان قیام بهمن [دلو]، برگ زرین دیگری را به تاریخ مبارزات قهرمانانه مردم ما برای کسب آزادی و برابری افزود. او در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ هنگامی که فدائی وار پیشاپیش مردم برای تصرف رادیو تهران می رزمید ، بر اثر اصابت گلوله نیروهای مزدور شاه به شهادت رسید.

یاد رفیق شهید قاسم سیادتى گرامی و راهش پر رهرو باد !

به نقل از : ماهنامه کارگری ، ارگان کارگری چریکهای فدائی خلق ایران
شماره ۳۵ ، پانزدهم آذر ماه ۱۳۹۵